

ارائه الگوی سیاست‌گذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی

پریا مسیبی داریانی، صغری افکنانه، کورش پارسا معین، آفتاب ناظم^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

چکیده:

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگوی سیاست‌گذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه‌درسی انجام شد. این پژوهش به‌لحاظ هدف، کاربردی و همچنین، به لحاظ نوع داده‌ها، آمیخته از نوع اکتشافی که در بخش کیفی تحلیل مضمون با رهیافت شبکه مضامین و در بخش کمی توصیفی-پیمایشی بود. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی و در بخش کمی شامل کلیه معلمان فنی و حرفه‌ای شهر تهران بود. حجم نمونه در بخش کیفی ۱۹ مصاحبه شونده با توجه به اصل اشباع و روش نمونه‌گیری هدفمند و در بخش کمی ۲۰۱ نفر بر اساس محاسبه حجم نمونه در معادلات ساختاری و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته بود. در بخش کیفی به منظور محاسبه روایی از نظر خبرگان و برای محاسبه پایایی روش بازآزمون و توافق درون آزمودنی استفاده شد و در بخش کمی به منظور محاسبه روایی از روایی محتوایی و سازه و همین‌طور به منظور محاسبه پایایی از ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج بیانگر روا و پایا بودن ابزارها بود.

واژگان اصلی: سیاست‌گذاری، مهارت‌های تدریس، برنامه درسی، دانش‌آموزان، فنی حرفه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، برنامه ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
۲. استادیار، علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول) safkaneh@gmail.com
۳. استادیار، علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

مقدمه

با پیشرفت فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، تمام سازوکارهای آموزشی تغییر کرده است. در واقع عناصر فرایند یادگیری و یاددهی تحت تاثیر ارتقای فناوری‌ها قرار گرفته‌اند. بدین منظور، آموزشی که بخواهد در این دنیای رقابت، مزیت داشته باشد، باید خود را در مسیر تغییرات قرار دهد و با آن سازگار گردد (بیلتسکا و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۷).

در ارتقای آموزشی، برنامه درسی مهم‌ترین عامل تلقی می‌شود. برنامه درسی، در واقع، یکی از اصلی‌ترین ستون‌های الزامی در علوم تربیتی است و نقش بسیار ارزنده‌ای در عملکرد دانش‌آموزان دارد. این برنامه فرایندهای غیررسمی را نیز در بر گرفته است. برنامه درسی ظرفیتی است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده است و می‌خواهد تمام رویدادهای آموزشی آشکار و پنهان و حتی عملیاتی را در خود جای دهد تا انتظارات آموزش و پرورش را برآورده سازد. برنامه‌درسی، را می‌توان به مثابه فرایندی دانست که آغاز و پایان جریان یادگیری و آموزش را به هم می‌تند (گریمس، ۲۰۲۰: ۱۳۲).

منظور از الگو یا طرح برنامه درسی، یک شکل معین، چهار چوب و انگاره‌ای از فرصت‌های یادگیری است. راپاپورت و کبی^۳، بین مفاهیم مدل‌های برنامه درسی و الگوریتم‌های برنامه‌درسی تمایز قائل شده‌اند؛ بدین معنی که مدل بیشتر به مفهوم پردازی و الگوریتم به فرایند و رویه اشاره دارد. به عقیده دی شَمپ بسیاری از الگوهای تدوین برنامه‌درسی که مدل نامیده شده‌اند، در واقع از نوع الگوریتم هستند چراکه مراحل آن‌ها مشخص و گام به گام است. به عقیده اُریپوود (۱۹۸۵) الگوپردازی مثل رالف تایلر هرگز اقرار نکرده که الگوی او حالت الگوریتمی دارد و توصیه نکرده که الگوی او به عنوان مدلی تجویزی به کار برده شود. در بین الگوهای ارائه شده در خصوص تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی درسی، الگوی کلاین^۴ از روشنی و وضوح بیشتری برخوردار است. کلاین هفت سطح کلی تصمیم‌گیری در برنامه درسی را معرفی می‌کند که شامل سطوح علمی، اجتماعی،^۵ رسمی،^۶ مؤسسه‌ای،^۷ آموزشی،^۸ اجرایی^۹ و تجربی^{۱۰} هستند و براساس درجه دوری و نزدیکی به

دانش‌آموزان و تمرکز اصلی تصمیمات برنامه‌درسی منظم شده‌اند. تصمیمات اخذ شده در هر سطح، الزاماً بهتر، مهم‌تر، عاقلانه‌تر یا دارای اولویت بیشتر نسبت به سطوح دیگر نیست و این سطوح سلسله‌مراتبی نیستند. این الگو فقط به دنبال توصیف این پدیده است که تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌درسی چگونه باید باشد (اسمیت، ۲۰۱۹).

آیزنر^۵ (۲۰۰۲) به دو دسته بندی از برنامه‌درسی معتقد است. یکی اینکه برنامه‌درسی به عنوان یک سند مکتوب و مشتمل بر فرصت‌های یادگیری از پیش تعیین شده‌ای که یادگیرندگان می‌باید برای ارتقاء تحصیلی، آنها را پشت سر گذارند. در چارچوب چنین برداشتی نمی‌توان از پدیده‌ای چون برنامه‌درسی محیط کار صحبت کرد، چرا که این پدیده ماهیتی رویدادی و غیر مکتوب داشته و ماحصل تعاملات فرد با محیط فیزیکی، اجتماعی، و فرهنگی محیط کار می‌باشد. دوم اینکه برنامه‌درسی به مثابه تجربه و مشتمل بر تمامی تجربه‌هایی است که یادگیرنده در محیط به کسب آنها نائل می‌شود (فتحی و اجارگاه و نوری، ۱۴۰۰).

در این برنامه‌درسی، معلمان به عنوان ارکان اصلی تعلیم و تربیت، حرف اول را می‌زنند. ایشان برای موفقیت در کار خود، ابتدا به ایمان و عشق ورزیدن به نقش معلمی نیاز دارند و در مرحله بعد، به ارتقای سطح مهارت تدریس خود نیاز دارند (سان و همکاران، ۲۰۲۲). آموزش و تدریس به هر شکل که انجام گیرد، مبتنی بر یادگیری است. بدین لحاظ، وقتی در آموزش مدرسه‌ای از روش‌های تدریس سخن به میان می‌آید و استاد به دنبال آن است که بداند موضوع خاصی را چگونه باید تدریس کند، ناگزیر است به روان‌شناسی یادگیری و نظریه‌های آن مراجعه کند و نحوه یادگیری متناسب با هر یک از دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که روش تدریس تابع روش یا شیوه یادگیری است و از طرفی، توفیق برنامه‌های نظام آموزشی نیز وابسته به وجود معلمانی است که از صلاحیت‌ها و مهارت‌های شغلی لازم برخوردار باشند (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲).

مهارت تدریس در دیدگاه‌های مختلف ماهیت و معنای مختلفی دارد بعضی آنرا "بیان مستقیم حقایق علمی از طرف معلم به فراگیران می‌دانند" گروهی دیگر آن را "هم‌ورزی یا تعامل بین معلم

Institutional Level
 Instructional Level
 Operational Level
 Experiential Level
⁵Smith
⁶Eisner
⁷Sun, et al

و فراگیر و محتوا در کلاس درس "تعریف کرده اند. عده ای از متخصصان تعلیم و تربیت " فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای فراگیر آسان کند " تدریس نامیده اند. اسمیت به پنج نوع تدریس معتقد است که عبارتند از: " توصیفی " - " موفقیتی " - " ارادی " - " هنجاری " و " علمی ". به نظر اسمیت تعریف " توصیفی " تدریس عبارت از بیان مستقیم و صریح دانش و مهارت از معلم به فراگیر است. در تعریف " موفقیت " دو مفهوم تدریس و یادگیری نقشی تعیین کننده و انفکاف ناپذیر دارند به این معنی که عمل تدریس صورت نخواهد گرفت مگر اینکه یادگیری اتفاق افتاده باشد. تدریس در مفهوم " ارادی " عملی است هدفمدار که اهمیت کارکرد آن در رخدادهای آموزشی بستگی به موقعیت و باور معلمان دارد به عبارت دیگر تدریس نه تنها نظام فکری معلمان، بلکه عملکرد آنها را، که به وسیله هدفهای از پیش تعیین شده هدایت می شود، مشخص می سازد (شهرکی، ۱۴۰۰: ۱۲۹).

مهارت تدریس فعالیتی بین الاشخاصی و تعاملی است که مبتنی بر ارتباط کلامی و معطوف به یادگیری یا تغییر روش های رفتار کردن یک یا چند شاگرد می باشد. گرچه در این تعریف ویژگی عمده «جریان، تعامل و تعمد» به وضوح دیده می شوند، اما پاسخگویی به سه پرسش اساسی آن چندان سهل و روشن نمی باشد: (۱) تدریس چگونه فعالیتی است؟ (۲) در فعالیت تدریس چه کسانی مشارکت دارند؟ (۳) سهم و نقش هر یک از افراد شریک در تدریس چیست؟ سه پرسش مطرح شده گر چه با جواب های متفاوتی مواجه شده اند، اما در عین حال مبنایی را برای سامان بخشی پژوهش ها نظریه های مطرح شده فراهم می آورند. در پاسخ به پرسش اول از علم یا هنر بودن تدریس سخن به میان می آید، در پاسخ به پرسش دوم از معلم و شاگرد و تعاریف هر یک از آنها بحث می شود؛ و در پاسخ به پرسش سوم از میزان فعالیت و درگیری هر یک از مشارکت کنندگان می توان سخن گفت، که فعال بودن یا غیر فعال بودن معلم و شاگرد مورد نظر قرار می گیرد و روش های مختلف تدریس بر آن اساس شکل می گیرند. مهارت تدریس عبارتست از تعامل معلم و شاگرد بر اساس طرحی منظم و هدفدار از طرف معلم بر اساس این تعریف، در هر تدریس، دو ویژگی مشخص را می توان جستجو کرد (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱) که شامل وجود تعامل بین معلم و شاگرد و هدفدار بودن فعالیت معلم می باشد.

آگاهی و تسلط معلمان در مورد روش های تدریس و نحوه و شرایط استفاده از آن، تاثیر زیادی در موفقیت حرفه ای آنان دارد. اگر روش تدریس انتخاب شده با اهداف توانایی فراگیران و محتوای

دروس منطبق نباشد یا استاد مهارت‌های لازم برای استفاده از آن روش‌ها را به دست نیاورده باشد یا زمینه اجرای آن روش‌ها در کلاس فراهم نباشد، در این موارد استاد با شکست مواجه می‌شود و کیفیت تدریس او مناسب نخواهد بود (ایگوه و همکاران، ۲۰۲۲). وظیفه معلم این است که با شناخت دانش‌آموزان و آگاهی از چگونگی کاربرد شیوه‌های مختلف تدریس مدل مناسبی برای تدریس انتخاب کند. معلم اثربخش، صرفاً کسی نیست که به خوبی برنامه‌ریزی کند، بلکه فردی است که برنامه‌ای را به دانش‌آموزان ارائه دهد تا به‌طور منطقی یا تجربی به نتایج و برون‌دادهایی برسد که ارزشمند هستند. بدین ترتیب، گسترش توانمندی‌های حرفه‌ای، به‌عنوان عاملی محوری در بهبود عملکرد حرفه‌ای معلمان و بازده‌های آموزشی دانش‌آموزان و نیز اصلی اساسی در تداوم بخشیدن به شرایط بهینه آموزشی به‌شمار می‌رود (دیماکولانگا و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۲۷).

در مورد اهمیت مهارت تدریس در معلمان جمالی نسب (۱۴۰۱)، عنوان کردند که در جهان امروز معلمی می‌تواند در عرصه عمل به خوبی ایفای نقش کند که بدانند به چه کسی می‌آموزد و چگونه باید بیاموزد. اوست که باید با تلاش خود، راه و رسم چگونه آموختن، چگونه اندیشیدن و در نتیجه تغییر کردن و متحول شدن را به یادگیرنده بیاموزد. اکنون دیگر معلم در نقش ناقل برنامه درسی از پیش تعیین شده کارایی کمتری دارد. کیفیت تربیت معلم و کیفیت تدریس به میزان بسیار به منابع آموزشی به ویژه برنامه درسی بستگی دارد. در سال‌های اخیر پژوهشگران آموزشی به اهمیت برنامه درسی در حکم متغیری موجود در میان نظام‌های آموزشی کشورها و همچنین عامل بازده‌های آموزشی توجه کرده‌اند. اکنون که نقش‌های دیگری برای معلمان ترسیم می‌گردد و معلم به عنوان همیار یادگیرنده ۱، یادگیرنده نمونه ۲، تفسیر کننده ۳، پرسشگر ۴، فراهم کننده منابع اطلاعاتی ۵، مشاور ۶، مدیر پروژه ۷، نمایش دهنده ۸، و مدرس ۹، قلمداد می‌نمایند. معلمان جهت آموزش علوم تجربی به دانش‌آموزان باید چه مهارت‌هایی را کسب نمایند تا بتوانند در شغل معلمی خود موفق باشند. طالب زاده و مومنی (۱۴۰۰)، نشان دادند که معلمان مهارت‌های مورد نیاز جهت اجرای موفق آموزش فراگیر را در هفت تم «توانمندی در روابط انسانی»، «ویژگی‌های شخصیتی مناسب»، «توانمندی علمی»، «مهارت در تدریس»، «توانمندی در مدیریت کلاس»، «تعهد شغلی» و «کمک به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان» مطرح نمودند. نتایج هم‌چنین نشان داد که «توانمندی معلم در

¹Igwe, et al

²Dimaculangan, et al

روابط انسانی» مهم‌ترین مهارت مورد نیاز معلمان در این خصوص می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان برای «ویژگی‌های شخصیتی مناسب» خصوصیتی از جمله صبوری و انگیزه بالا را مطرح نمودند. آشنایی با انواع معلولیت‌ها و آموزش فراگیر نیز مواردی از «توانمندی علمی» بودند. استفاده از روش‌های متنوع و نوین در تدریس مثالی از «مهارت در تدریس» و توانایی در اداره کلاس نمونه‌ای از «توانمندی در مدیریت کلاس» می‌باشد که توسط معلمان عنوان شدند. مصاحبه‌شوندگان همچنین توجه به مسائل پرورشی را از دیگر مهارت‌های مورد نیاز معلمان برشمردند که به صورت «کمک به رشد همه جانبه دانش‌آموزان» مطرح شد. ویژگی‌های «انتقادپذیری، تسلط به کتب دانش‌آموزان با نیاز ویژه، داشتن طرح درس و مدیریت زمان» از یافته‌های نوین پژوهش حاضر بودند که در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین شناسایی و مطرح نشده‌اند. با اتخاذ رویکرد فراگیر در امر آموزش، نقش معلم در تضمین موفقیت تحصیلی هر دانش‌آموز به یک موضوع اصلی تبدیل شده است که انتظار می‌رود معلمان به‌منظور آماده‌سازی برای آموزش فراگیر به مهارت‌هایی مجهز گردند. در پژوهش حاضر این مهارت‌ها در قالب هفت تم عمده مطرح گردیده است. کاربست و توجه به این مهارت‌ها، اجرای موفق آموزش فراگیر، پشتیبانی از موفقیت همه دانش‌آموزان و برآورده شدن نیازهای فراگیران متنوع را در پی خواهد داشت. فتوحی و همکاران (۱۴۰۰)، نشان دادند که عملکرد زبان‌آموزان گروه آموزش وارونه از نقطه نظر مهارت نگارشی و همچنین میزان خودتنظیمی به مراتب بهتر از زبان‌آموزان گروه کنترل بوده است. از منظری عمل‌گرایانه، یافته‌ها و پیشنهادات جستار پیش رو را می‌توان به مثابه الگویی برای گنجاندن روش‌های آموزشی وارونه در برنامه‌های درسی معرفی نمود. حسینی بافقی (۱۳۹۹)، نشان داد هیجان‌های تدریس معلم به طور مستقیم از متغیرهای برون‌زاد فعالیت اجتماعی تدریس و مهارت‌های هیجانی-اجتماعی معلم تأثیر می‌پذیرند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که معلمانی که دارای مهارت‌های هیجانی-اجتماعی هستند و از عهده‌ی فعالیت‌های اجتماعی تدریس برمی‌آیند، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه رابطه‌ی مثبتی با دانش‌آموزان خود دارند. بنابراین برای ارتقای هیجان‌های مثبت و تنظیم هیجان‌های منفی، معلمان به فعالیت‌های اجتماعی تدریس و مهارت‌های هیجانی-اجتماعی در برقراری رابطه مؤثر با دانش‌آموزان و کنترل موقعیت‌های استرس‌زا نیاز دارند. سنجر و توستون (۲۰۲۲)، در پژوهشی نشان دادند که برای بهبود مهارت‌های حرفه‌ای تدریس، آموزش‌های ضمن خدمت بهترین گزینه است.

ضمن اینکه روشهایی مانند استفاده از برنامه غیررسمی و استفاده از رویکردهای تعاملی می‌تواند مهارت‌های تدریس را بهبود بخشد. سووارما و اپریانا^۱(۲۰۲۲)، در پژوهشی نشان دادند که مهارت تدریس معلمان بر توسعه طرح درس و ارزیابی ایشان موثر است این ارائه طرح درس و ارزیابی مبتنی بر مهارت‌های تفکر در معلمان است. مارتینز^۲(۲۰۲۲)، نشان داد که برنامه درسی مبتنی بر پروژه، یکی از راهبردهای توسعه مهارت تدریس در قرن ۲۱ است. سیلر و همکاران^۳(۲۰۲۱)، نشان دادند که مهارت‌های تدریسی مبتنی بر فناوری به معلمان در سناریو نویسی کمک می‌کند.

برای ارتقای مهارت‌های تدریس در بین معلمان به سیاستگذاری آموزشی نیاز است. در واقع، نظام سیاسی از طریق فرایند سیاستگذاری باید آموزشها را به گنجینه روشهایی تبدیل کند که فراگیران را از ماده‌ی خام انسانی مبدل به انسانهای پرورش یافته و دارای فرهنگ مشارکت فعال، آگاهانه، علمی، انسانی در امور جامعه گرداند. توسعه ملی در هر کشوری بر این ستون پایه گذاری می‌شود(حق شناس، ۱۳۹۹). برای سیاستگذاری آموزشی در واحدهای آموزشی، تحلیل سیاستهای آموزشی در چند مرحله انجام می‌پذیرد، دستیابی به فرصت‌های آموزشی، برابری در توزیع خدمات آموزشی، ساختار نظام آموزشی، کارآیی داخلی، کارایی خارجی ترتیبات نهادی برای مدیریت بخش، البته ارزیابی از وضعیت موجود، بدون ارزیابی نمودن نیروهای له و علیه تغییر، در هنگامی که تغییرات سیاستی ضرورت می‌یابند، تحلیلی ناقص است. همچنین این ارزیابی باید، شانس موفقیت انواع سیاست‌ها و راهبردهایی را که باید برای اجرا و پیشبرد این سیاست‌ها مورد استفاده قرار گیرند، شامل شود (جاودانی، ۱۳۹۴).

در این بین، مهارت‌های تدریس در معلمان باید مورد توجه سیاستگذاران آموزشی واقع شود. به ویژه اگر این مهارت‌ها در تدریس رشته‌های تخصصی کاربرد داشته باشند. رشته‌های فنی و حرفه‌ای از آن جهت مورد توجه قرار گرفته اند که توجه به دیدگاه فناورانه، اشتغال و بازار کار در برنامه درسی ملی مورد تاکید قرار گرفت و حرکت از آموزش سنتی به سمت آموزش مبتنی بر شایستگی حرفه‌ای، وفاداری برنامه‌های جدید به فرهنگ کارآفرینی، توجه به طیفی از مشاغل به جای شغل، تعیین تکلیف رشته‌ها و برنامه‌های آموزش فنی و مهارتی مورد توجه قرار گرفته است. از اینرو،

¹Suwarma & Apriyani

²Martines

³Sailer, et al

پرداختن به نحوه تدریس و مهارتهای تدریسی معلمان در رشته های فنی و حرفه ای باید بیشتر بررسی شوند تا شاید گامی در جهت بهبود اوضاع دانش آموزان فنی و حرفه ای برداشته شود. سخن از عدم موفقیت نظام فنی و حرفه ای و در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به هیچ گونه سند و مدرک نیاز ندارد و محکم ترین دلیل برای اثبات این مدعا گرایش نداشتن دانش آموزان به انتخاب رشته های هنرستانی هنگام انتخاب رشته می باشد. به عنوان نمونه در استان مرکزی در سال ۹۶ از مجموع ۱۶۰۲۹ نفر دانش آموز سال نهمی، ۹۵۹۷ نفر رشته های نظری را برگزیده اند و ۶۴۳۲ نفر رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش را انتخاب نموده اند. به عبارت دیگر ۵۹/۸۷ درصد به دبیرستان رفته اند و ۴۰/۱۳ درصد به هنرستان (مخت بادی و همکاران، ۱۳۹۵). به نظر می رسد. در چند سال اخیر کارهای نسبتا مهمی در این زمینه انجام شده است اما این کارها کافی نبوده و معلمان این رشته، مهارتهای خاصی را آموزش نمی بینند در حالیکه تدریس در این رشته نیازمند مهارتهای خاصی است که موجبات ارتقای سطح دانشی و مهارتی دانش آموزان را فراهم کند. شاید موانع پرداختن صریح به مهارتهای تدریس معلمان فنی و حرفه ای را بتوان در عدم حمایت لازم مدیران، عدم توجه به صلاحیت حرفه ای معلمان، عدم وجود سازوکارهای قانونی رشته فنی و حرفه ای، عدم توجه به اسناد بالادستی و نبود توجه کافی به بازار کار و نیازهای وابسته به آن دانست. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا با انجام پژوهشی جامعه به مهارت تدریس معلمان به عنوان عاملی مهم در برنامه درسی دانش آموزان فنی و حرفه ای پردازد و در این مسیر شاخصها، مولفه ها و ابعاد این مهارتها را شناسایی کند و وضعیت موجود را مورد ارزیابی قرار دهد و در نهایت به این سوال پاسخ دهد که برای سیاستگذاری در مهارت های تدریس در رشته فنی و حرفه ای از دیدگاه برنامه درسی چه الگوی می توان طراحی کرد؟

۱- روش شناسی

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی سیاست گذاری در مهارت های تدریس در رشته فنی و حرفه ای از دیدگاه برنامه درسی بود، روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی- کمی) از نوع اکتشافی برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده ها و یا ماهیت و روش پژوهش، در بخش کیفی تحلیل مضمون با رهیافت شبکه مضامین و در بخش کمی توصیفی- پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر اسناد و

مدارک علمی شامل کتب تخصصی، تحقیقات انجام شده، پایان نامه‌ها، مقاله‌ها برگرفته از پایگاه های داده داخل و خارج در زمینه موضوع پژوهش بود. همچنین، در بخش کیفی، شامل اساتید دانشگاه در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ و مسیولین با سابقه در آموزش و پرورش بود و از روش نمونه گیری غیر تصادفی از نوع هدفمند برای انتخاب مصاحبه شونده‌ها در بخش کمی، نیز، جامعه آماری مورد پژوهش حاضر کلیه معلمان رشته فنی و حرفه ای شهر تهران بودند. برای تعیین حجم نمونه در این بخش نیز، از روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری استفاده شد و ۲۰۱ آزمودنی انتخاب شدند. روش نمونه گیری مورد استفاده در این پژوهش به دلیل پراکندگی جغرافیایی مدارس فنی و حرفه ای تصادفی خوشه ای مرحله ای بود. برای گردآوری داده در بخش کیفی این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مرحله کمی پژوهش نیز ابزار شامل دو پرسشنامه محقق ساخته تبیین نقش عناصر مهارت های تدریس در برنامه درسی دانش آموزان رشته فنی حرفه ای و پرسشنامه استاندارد سنجش اعتبار مدل بود.

برای تعیین روایی در بخش کیفی، از شاخص موثق بودن استفاده شد و برای تعیین پایایی، از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی تحلیل متون انجام گرفته استفاده شد. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. و برای تعیین پایایی، در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه شد. مقادیر این دو ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان دهنده پایا بودن ابزار اندازه گیری بود. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش تحلیل مضمون با رهیافت شبکه مضامین با نرم افزار *Maxqda* بود. در بخش کمی، برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون‌هایی نظیر همبستگی پیرسون، آزمون تی تک نمونه‌ای، فرایند تحلیل سلسله مراتبی و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزارهای *SPSS-v23*، *Smart Pls-v3* و *Lisrel V8.8* و *Expertchoice-V11* بهره گرفته شد.

۲- یافته‌ها

سؤال اول: شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد الگوی سیاست‌گذاری در مهارت‌های تدریس در برنامه درسی دانش آموزان رشته فنی حرفه‌ای کدام‌اند؟

¹Trustworthiness

برای پاسخ به این سوال از کدگذاری نظری استفاده شد. در واقع، تحلیل پاسخ‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه با خبرگان به این سؤال جواب داد. برای پاسخ به این سوال از نرم‌افزار MAXQDA که نرم‌افزاری حرفه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط روش‌های کیفی و ترکیبی است، استفاده شد.

در مرحله آخر از فرایند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (مضامین پایه)، مفاهیم (مضامین سازمان دهنده) مشخص شد.

در جدول‌های زیر چک‌لیست مربوط به نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با استفاده از مضامین باز، سازمان دهنده و فراگیر آورده شده است. تحلیل داده‌ها با استخراج مفاهیم و مقوله‌ها آغاز گردید (مضامین پایه) و مفاهیم و مقوله‌های بی‌ربط و تکراری حذف گردیدند.

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز، کدهای مصاحبه‌کننده و منابع

سازه	مضامین فراگیر (مقوله)	مضامین سازمان دهنده (زیر مقوله)	مضامین پایه واحد های مبتنایی	کد مصاحبه شونده	
عناصر مهارت های تدریس در برنامه درسی دانش آموزان رشته فنی حرفه ای	مهارت فردی	مهارت زبان	تسلط معلم بر کلماتی که برای ارائه درس انتخاب می کند.	-----	
			مهارت تنظیم صدا و لحن هنگام ارائه دروس فنی و حرفه ای	13, I2, III	
			دانش نسبت به فن سخنوری در کلاس درس و ایجاد رغبت از این طریق در دانش آموزان فنی و حرفه ای	13, I2, III	
			تغییر شیوه بیان بر اساس مباحث فنی و حرفه ای	13 III, I5	
	مهارت معلم	مهارت معلم	مهارت معلم	استفاده درست از زبان بدن برای ایجاد درک بهتر در دانش آموزان فنی و حرفه ای	I2, III
				داشتن صبر و حوصله در انتقال مطالب به دانش آموزان فنی و حرفه ای	III0, I2
				توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و ارائه درس بر اساس توجه به این تفاوتها	III I2, I5
				نگرش اخلاقی درست نسبت به کار معلمی در رشته فنی و حرفه ای	I6, II, II

سازه	مضامین فراگیر (مقوله)	مضامین سازمان دهنده (زیر مقوله)	مضامین پایه واحد های مبنایی	کد مصاحبه شونده
			ترغیب دانش آموزان به مثبت اندیشی و تلاش برای ارائه بازخورد یادگیری به دانش آموزان	18, 115
			داشتن قدرت انتقال در معلم به منظور انتقال درست و به موقع اطلاعات به دانش آموزان فنی و حرفه ای	11, 12, 115
			داشتن هوش هیجانی در معلمان به منظور ایجاد انگیزه در پروژه های درسی به ویژه پروژه های فنی و حرفه ای	13, 15 111
			داشتن انگیزه برای ارائه دروس و ادامه مسیر و ارتقای انگیزشها در دانش آموزان	13, 14, 111
			داشتن دانش کافی معلمان نسبت به مسایل رخ داده در ارتباط با دانش آموزان فنی و حرفه ای	15, 11
		مهارت تفکر صحیح	مهارت ارائه راه حل‌های مختلف در رویارویی با یک مساله آموزشی	11, 12, 13,
			مهارت تصمیم گیری معلم در شرایط مختلف آموزشی	13, 12, 111
			داشتن تفکر انتقادی نسبت به مسایل عنوان شده در محتوای درسی به منظور تحلیل درست مطالب	----
			مهارت انتخاب از بین گزینه های مختلف تدریسی بر اساس نیاز دانش آموزان فنی و حرفه ای	11, 19
	عوامل شغلی	مهارت تدریس	توانایی در شکستن مرزها و استانداردهای شغلی، علمی، حرفه‌ای و اجتماعی توسط معلم به منظور حل مساله	16, 17, 15
			ایجاد خلاقیت در روند تدریس به منظور ارتقای ظرفیت دانش آموزان در یادگیری	110, 13, 118, 12
			استفاده از شیوه های ارتقای تفکر خلاق به منظور استفاده از حداکثر ظرفیت در اختیار	13, 12, 111
			ایجاد تیمهای کاری و درسی در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای به منظور استفاده از خرد جمعی برای حل مسایل	----
			پشتیبانی درسی از دانش آموزان فنی و حرفه ای با ارائه درسهای مورد نیاز و وابسته به علاقه ایشان	14, 12, 16

سازه	مضامین فراگیر (مقوله)	مضامین سازمان دهنده (زیر مقوله)	مضامین پایه واحد های مبنایی	کد مصاحبه شونده
		مهارت فناوری	در اختیار قرار دادن تجهیزات فناورانه به معلمان در مدارس فنی و حرفه ای	16, 19, 15
			به روز سازی تجهیزات فناورانه برای استفاده از این تجهیزات در ارائه دروس فنی و حرفه ای	12, 11, 17
			تخصیص بودجه ای در مدرسه فنی و حرفه ای برای ارتقای سطح فناوریهای اطلاعاتی در مدرسه	110, 11, 17
			ارائه کارگاههای آموزش فناوریهای نوین به منظور ارتقای سطح آموز فنی و حرفه ای در مدارس	11, 12, 115
			تعریف پروژه های آموزشی فناور محور به منظور ترغیب دانش آموزان فنی و حرفه ای به استفاده از فناوری اطلاعات	13, 15, 12
			ارائه نمایشگاههایی در مدرسه به منظور شناساندن محصولات فناورانه دانش آموزان فنی و حرفه ای	13, 14, 15
		مهارت مدیریت	مدیریت کلاس درس برای ایجاد محیطی امن برای دانش آموزان فنی و حرفه ای	16, 18, 14
			مهارت حل تعارض برای جلوگیری از بروز درگیریها و اختلافات در بین دانش آموزان	110, 18, 14
			مهارت استفاده از امکانات در دسترس فنی و حرفه ای	13, 12, 116
			مهارت کسب امکانات برای دانش آموزان فنی و حرفه ای به منظور استفاده در مدرسه	13, 12
	مهارت اجتماعی	مشارکت طلبی	مهارت ایجاد فضای مشارکتی برای دانش آموزان فنی و حرفه ای	16, 13, 15
			مهارت ایجاد تیم در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای و ارائه پروژه های تیمی	-----
		تعاون	مهارت توجه به قابلیت های دانش آموزان با ایجاد بستر برای ارائه نظرات و ابداعات آنان	14, 15, 19
			مهارت توجه به شرایط دانش آموزان به هنگام	18, 12, 11

سازه	مضامین فراگیر (مقوله)	مضامین سازمان دهنده (زیر مقوله)	مضامین پایه واحد های مبنایی	کد مصاحبه شونده	
مهارت آموزشی	دانش تدریس	تدریس (خستگی، گرسنگی، استرس و ...)	ایجاد ارتباطات باز با دانش آموزان و ایجاد فضایی صمیمی در کلاسهای درس	13, 15, 19	
			مهارت شناخت مخاطب (دانش آموز) توسط معلم به عنوان یادگیرنده ای که نیاز به یادگرفتن دارد.	18, 17, 111	
			همدلی با دانش آموزان	17, 19	
			توجه به تفاوت های فرهنگی و قومیتی در دانش آموزان	11, 19, 11	
			ارائه ترندهای متفاوت نسبت به شاداب نمودن کلاس و هشیار ساختن مخاطبان (دانش آموزان فنی و حرفه ای)	13, 12	
			پرسش از دانش آموزان برای تغییر حالت یکنواختی و کسل کننده کلاس درس	111, 19	
	دانش یادگیری	توجه به مسایل زیبایی شناختی و استفاده از طنز در کلاس درس	علم کافی معلم نسبت به فرایند یاددهی و یادگیری در رشته فنی و حرفه ای	دانش محتوایی نسبت به مباحث رشته فنی و حرفه ای	13, 14
				دانش شناخت نسبت به تجهیزاتی که مختص به رشته فنی و حرفه ای است و دانش آموزان با استفاده از آنها یاد می گیرند.	12, 116
				دانش کافی نسب به ارکان برنامه درسی رشته فنی و حرفه ای	110, 12
				دانش راهبردی و استراتژیک که معلمان بتوانند در بافت و موقعیت تربیتی که قرار دارند، از دانش قبلی خود نیز استفاده کنند.	16, 13, 15
				داشتن دانش موردی که شناخت نمونه های واقعی و شبه واقعی برای ارتباط دادن اصول عملی و قواعد با یکدیگر	16, 110, 12

سازه	مضامین فراگیر (مقوله)	مضامین سازمان دهنده (زیر مقوله)	مضامین پایه واحد های مبنایی	کد مصاحبه شونده
			است.	
		توسعه آموزش	ارزشیابی مبتنی بر دانش آموز و توجه به نیازهایی که دانش آموز دارد.	110, 17
			ارزشیابی مبتنی بر فرایند یاددهی و یادگیری در مدرسه به منظور ارتقای سطح کیفی فرایند	-----
			ارزشیابی مبتنی بر هدف به منظور تحقق اهداف رشته فنی و حرفه ای	13, 12, 111
			ارزشیابی مبتنی بر نظر معلمان نسبت به ارزیابی از عملکرد دانش آموزان	12, 13, 19
			ارزشیابی مبتنی بر حل مساله به منظور ارائه راه حلهای مناسب توسط دانش آموزان انجام می گردد.	12, 16,
			ارزشیابی مبتنی بر کارآیی مدارس فنی و حرفه ای با توجه به بازخورد عملکردی از این مدارس	13, 111
			ارزشیابی مبتنی بر محتوی سند تحول و عناصر پیشنهادی این سند در روشهای تدریس	12, 16, 110
			استفاده از منابع غیردرسی (مقالات، جزوات آموزشی و...) برای ارتقای سطح درسی دانش آموزان	14, 115, 19
		توسعه آموزش	تعیین منابع متنوع آموزشی با توجه به نیاز دانش آموزان فنی و حرفه ای	13, 12
			استفاده از بازیهای مختلف برای ارائه مطالب به عنوان منابع درسی معتبر	13, 12, 19
			استفاده از نمایشنامه یا فیلم برای ارائه درس	12, 111
			بردن دانش آموزان به نمایشگاههای مختلف مرتبط با فنی و حرفه ای	17, 13, 19,
			انتخاب رسانه های آموزشی مناسب و ارائه آن به دانش آموزان فنی و حرفه ای	12, 111

نتایج نشان دادند که ابعاد مهارت های تدریس در برنامه درسی دانش آموزان رشته فنی حرفه ای شامل مهارت فردی، مهارت شغلی، مهارت اجتماعی و مهارت آموزشی بود. همچنین نتایج نشان دادند که مهارت فردی شامل مولفه های مهارت فن بیان، ویژگی معلم، مهارت تفکر صحیح، مهارت شغلی شامل مهارت تدریس، مهارت فناورانه، مهارت مدیریت، مهارت اجتماعی شامل مشارکت طلبی، تعامل، ایجاد نشاط، مهارت آموزشی شامل دانش تدریس، ارزشیابی، منابع آموزشی بود.

سؤال دوم: وضعیت موجود مهارت های تدریس در برنامه درسی دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای چگونه است؟

برای اینکه بدانیم وضعیت مولفه های شناسایی شده به چه میزان است، با توجه به نرمال بودن توزیع داده ها و مقیاس فاصله ای متغیرها از آزمون t -تک نمونه ای استفاده شد. در این قسمت با توجه به اینکه مقیاس ۵ درجه ای است، ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی را عدد ۳ در نظر گرفتیم. در ادامه فرض صفر و پژوهش برای این سوال آورده شده است:

$$H_0: \mu = 3$$

$$H_1: \mu \neq 3$$

نتیجه آزمون تی تک نمونه ای در جدول ۲ آورده شده است.

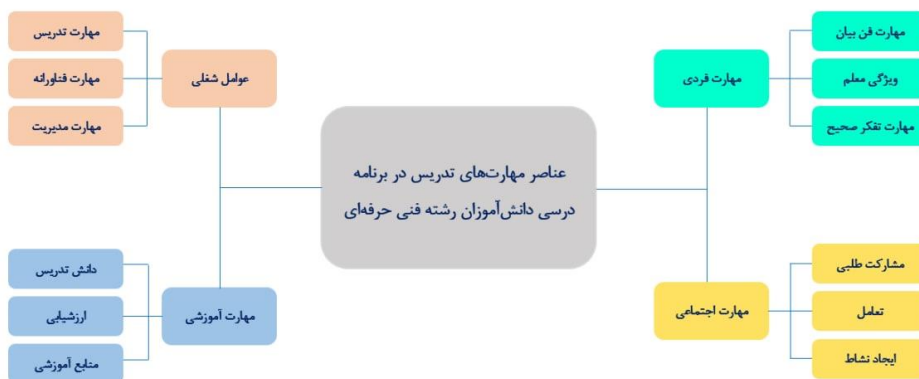
جدول ۲: آزمون تی تک نمونه ای به منظور بررسی وضعیت موجود

ارزش آزمون - ۳				مقدار تی	مؤلفه	بعد	سازه
فاصله اطمینان ۹۵٪ از اختلاف	اختلاف میانگین	Sig.	حد پایین				
حد بالا	حد پایین						
۰٫۵۹	۰٫۳۳	۰٫۴۶	۰٫۰۰۰	۷٫۰۵	مهارت فن بیان	مهارت	مهارت فردی
۰٫۳۷	۰٫۰۶	۰٫۲۱	۰٫۰۰۷	۲٫۷۵	ویژگی معلم		
۰٫۳۴	۰٫۰۰	۰٫۱۷	۰٫۰۴۸	۱٫۹۹	مهارت تفکر صحیح		
۰٫۲۵	-۰٫۰۴	۰٫۱۱	۰٫۱۴۵	۱٫۴۷	مهارت تدریس	مهارت های تدریس در	برنامه درسی دانش آموزان
۰٫۵۱	۰٫۲۲	۰٫۳۶	۰٫۰۰۰	۵٫۰۲	مهارت فناورانه	عوامل شغلی	
۰٫۴۳	۰٫۲۰	۰٫۳۱	۰٫۰۰۰	۵٫۳۲	مهارت مدیریت	مهارت	رشته فنی و حرفه ای
۰٫۳۵	۰٫۰۸	۰٫۲۲	۰٫۰۰۲	۳٫۱۴	مشارکت طلبی	اجتماعی	
۰٫۳۱	۰٫۰۲	۰٫۱۶	۰٫۰۲۹	۲٫۲۰	تعامل		
۰٫۳۶	۰٫۰۸	۰٫۲۲	۰٫۰۰۲	۳٫۲۰	ایجاد نشاط	مهارت	مهارت آموزشی
۰٫۴۷	۰٫۱۴	۰٫۳۰	۰٫۰۰۰	۳٫۶۷	دانش تدریس		
۰٫۵۶	۰٫۲۸	۰٫۴۲	۰٫۰۰۰	۵٫۹۱	ارزشیابی		
۰٫۲۵	۰٫۰۲-	۰٫۱۲	۰٫۱۰۰	۱٫۶۵	منابع آموزشی		

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه مولفه‌ها (بغیر از مهارت تدریس و منابع آموزشی) کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این مولفه‌ها رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، وضعیت این مولفه‌ها در حد مطلوب (با توجه به اختلاف میانگین که اعدادی مثبت هستند) است. اما، سطح معناداری در مولفه‌های مهارت تدریس و منابع آموزشی بیشتر از ۰,۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این مولفه‌ها قبول و فرض پژوهش رد می‌شود. به عبارت دیگر، وضعیت این مولفه‌ها در حد متوسط است.

سؤال سوم: چه الگوی سیاستگذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی می‌توان ارائه کرد؟

در نهایت الگوی سیاستگذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی به شکل زیر ارائه می‌شود.



شکل ۱. الگوی سیاستگذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی

سؤال چهارم: اعتبار الگوی سیاستگذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی می‌توان به چه میزان است؟

برای بررسی اعتبار الگوی سیاستگذاری در مهارت‌های تدریس در رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه برنامه درسی، پرسشنامه سنجش الگو به صورت طیف پنج‌درجه‌ای تنظیم و در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تی تک نمونه-ای مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای تعیین درجه اعتبار الگوی پیشنهادی

میانگین مورد انتظار - ۳						
ردیف	آیتم	سوالات	میانگین	انحراف معیار	t	Sig.
۱	تطبیق	آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده است؟	۳,۷۵	۱,۲۶	۹,۵۱	۰,۰۰۰
۲	قابلیت فهم	آیا مفاهیم تشخیص داده می‌شوند و به شکل کلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند؟	۳,۹۱	۱,۲۴	۱۱,۹۶	۰,۰۰۰
۳		آیا مقوله‌ها به‌خوبی تدوین شده‌اند؟	۳,۷۳	۱,۳۵	۸,۶۸	۰,۰۰۰
۴	قابلیت	آیا نظریه چنان تبیین شده که تغییر شرایط متفاوت را در نظر بگیرد؟	۳,۸۷	۱,۲۷	۱۱,۱۱	۰,۰۰۰
۵	تعمیم	آیا شرایط کلان‌تری که ممکن است بر پدیده مورد مطالعه اثر گذارد، تشریح شده است؟	۳,۷۷	۱,۲۰	۱۰,۳۳	۰,۰۰۰
۶	کنترل	آیا یافته‌های نظری با اهمیت به نظر می‌رسند؟	۳,۷۱	۰,۹۰	۱۲,۷۰	۰,۰۰۰

نتایج نشان دادند که در تطبیق، آماره t محاسبه شده (۹,۴۹) در سطح $0,01$ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از مدل (۳,۷۳) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد که تطبیق مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در قابلیت فهم بودن مدل، آماره t محاسبه شده (۱۰,۳۰) در سطح $0,01$ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از مدل (۳,۸۰) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت فهم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات قابلیت فهم، آماره t محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح $0,01$ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت فهم مدل محسوب می‌شود. در قابلیت تعمیم بودن مدل، آماره t محاسبه شده (۱۰,۷۰) در سطح $0,01$ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از مدل (۳,۸۰) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت تعمیم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات قابلیت تعمیم، آماره t محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح $0,01$ معنادار و میانگین مشاهده‌شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت تعمیم مدل محسوب می‌شود. در کنترل مدل، آماره t محاسبه شده (۱۲,۶۸) در سطح $0,01$ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از مدل (۳,۶۹) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابل کنترل بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته

است. در رابطه با سوالات کنترل، آماره ۴ محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء کنترل مدل محسوب می‌شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

پیچیدگی رفتار انسان در کلاس و نقش آن در تحقق اهداف آموزشی از سال‌ها پیش توجه صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت رابه خود جلب کرده است باگذشت سال‌ها مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیده اند که دستیابی به اهداف آموزشی، زمانی امکان پذیر است . که منابع انسانی دانا، متخصص و با انگیزش کافی، بادر اختیار داشتن منابع لازم، هدایت و رهبری کلاس را به عهده بگیرد. معلمان در کلاس باید از فن رهبری در به کارگیری روش های صحیح درتحقیق اهداف آموزشی آگاه باشند تا استفاده از روش ها و فنون صحیح و مناسب نتایجی مطلوبی را عاید کنند. اگر باور داریم که جوامع بشری به طور مدام دستخوش تغییر و تحول است، باید قبول کرد که این تحولات ناشی از دگرگونی هایی است که در نظام آموزشی صورت می گیرد. در چنین جوامعی تنوع و پیچیدگی نیازها بیشتر گشته و برای ارضای این نیازها، به علوم و فنون پیچیده ترین نیاز است و بدیهی است که کسب علوم و فنون در سایه ی روش های پیچیده امکان پذیر خواهد بود، بنابراین وظیفه و مسئولیت معلمین روز به روز سنگین تر می گردد، چرا که روش های سستی. متداول تدریس قادر به هدایت افراد به سوی یک تحول عمیق نخواهند بود. بی شک، هدف از تعامل میان هنرآموز و شاگردانش آن است که در هنرجویان تغییری سازنده و بالنده ایجاد شود. اما کیفیت تعامل میان آنها موکول به این است که هنرآموزان هنرستانهای ما از دانش، نگرش و مهارتهای لازم و یا صلاحیتهای حرفه معلمی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، با صلاحیت ترین افراد برای حرفه هنرآموزی انتخاب شوند، این امر مستلزم آن است که علاوه بر ایجاد سازوکارهای مناسب جذب بهترینها برای احراز شغل هنرآموزی (معلمی در هنرستان)، برنامه- های درسی تربیت معلم فنی و حرفه‌ای نیز از نظر ساختار، هدف، محتوا و روشهای عرضه، به گونهای بازنگری و اصلاح شوند که با مفاهیم، رویکردها و فناوریهای جدید دنیای آموزش و کار و الگوی انتخابی در آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای رسمی متناسب و سازگار باشند. در واقع، انتظار این است که برای کسب شرایط احراز شغل معلم فنی و حرفه‌ای در قرن بیست و یکم، روشهای جدیدی انتخاب شود تا ضمن به روزرسانی مداوم صلاحیتهای و توسعه حرفه‌ای هنرآموزان، موازنه بهینه‌ای میان آموزش دانشگاهی و آموخته‌های محیط کار برقرار شود. بدین منظور شاید بهتر باشد که با توجه به وضع

موجود در هنرستانهای کشور، مانند کشور آلمان عمل شود. معلمان مدرسه‌های فنی و حرفه‌ای در آلمان دو گروه هستند. یک گروه درسهای نظری هنرستان را به عهده دارند و گروه دوم درسهای عملی را شرط احراز مسئولیت تدریس درسهای نظری، گذراندن دوره‌های مطالعاتی و به دنبال آن، قبولی در آزمون مسئولیت تدریس سال آخر و دوره آموزشی دو ساله تربیت معلم است. پذیرش برای مکانی در دانشگاه یا کالج مبتنی بر قبولی در آزمون عمومی ورود به دانشگاه و تجربه عملی چندین ماهه یا گواهی تربیت حرفه‌ای است. این مهم می‌توان شرایط هنرآموزی را بهبود بخشید و معلمان هنرستان بستر دغدغه مهارت در تدریس را پیدا خواهند کرد چراکه تدریس به شکل حرفه‌ای مبدل می‌شود.

هدف از یک تدریس اثربخش فقط انتقال اطلاعات علمی نیست، بلکه نتایج حاصله‌ی از آن را نیز باید گسترش داد. برای رسیدن به این هدف معلمین با عشق و علاقه و برخورداری از شخصیت معنوی و برجسته و آشنا با اصول و روش‌های علمی بردل و جان فراگیران خود نفوذ نموده و استعداد‌های بالقوه آنان را پرورش داده و شکوفا نمایند. در فرایند تدریس آنچه به معلم کمک خواهد کرد تا بتواند یک تدریس موفق داشته باشد، میزان شناخت معلم از توانایی‌های خود از یک طرف و آگاهی معلم از روند علمی نهفته در فرایند تدریس از طرف دیگر می‌باشد در پژوهش حاضر، به این مقوله توجه جدی شد و در ابتدا شاخصها، مولفه‌ها و ابعاد مهارت‌های تدریس شناسایی شدند و مشخص شد که ابعاد مهارت‌های تدریس در برنامه درسی دانش‌آموزان رشته فنی حرفه‌ای شامل مهارت فردی، مهارت شغلی، مهارت اجتماعی و مهارت آموزشی بود. همچنین نتایج نشان دادند که مهارت فردی شامل مولفه‌های مهارت فن بیان، ویژگی معلم، مهارت تفکر صحیح، مهارت شغلی شامل مهارت تدریس، مهارت فناوریانه، مهارت مدیریت، مهارت اجتماعی شامل مشارکت طلبی، تعامل، ایجاد نشاط، مهارت آموزشی شامل دانش تدریس، ارزشیابی، منابع آموزشی بود. این موضوع نشان می‌دهد که مهارت تدریسی معلم تنها به دانش وی وابسته نیست بلکه یکسری عوامل فردی، شغلی، آموزش و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. قدرت معلم در انتقال مطالب، توجه و مسئولیت‌پذیری نسبت به محتوای درسی، علاقه مندی به کار، انگیزش و ویژگیهای فردی دیگر، از جمله عواملی هستند که معلم را در رشته فنی و حرفه‌ای توانمند می‌سازند تا بتواند با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کرده و ایشان را نسبت به مطالب آگاه سازند. از طرف دیگر، معلم باید به مهارت‌های فناوریانه مجهز باشد چراکه لازمه زندگی در دنیای امروز، همین مهارتهاست. به روز رسانی مهارت‌های فناوریانه و استفاده از تجهیزات به روز، معلم را در تدریس و انتخاب محتوای مورد نظر یاری می‌

رساند. اما طبق یافته های حاصل از پژوهش، معلم مهارت اجتماعی نیز باید داشته باشد. به ویژه در رشته های فنی و حرفه ای که به کارهای گروهی و پروژه محور گره خوره اند. معلم در این رشته باید به مشارکت محوری توجه کافی داشته باشد. البته نباید از نقش دانشمحموری در این زمینه غافل شد. داشتن دانش کافی نسبت به رشته فنی و حرفه ای و همچنین دانش لازم نسبت به محتوای قابل انتقال امری ضروری است. در این پژوهش مدلی برگرفته از مبانی نظری، نظرات خبرگان و جامعه آماری ترسیم گردید که از اعتبار مناسبی برخوردار بود. بر اساس یافته های پژوهش پیشنهادات زیر قابل ارائه می باشد:

- تسلط معلم بر محتوای دروس فنی و حرفه ای مورد ارزیابی قرار گیرد و به معلمان بازخورد ارائه شود.
- ارائه کارگاههای آموزشی برای افزایش دانش نسبت به فن سخنوری در کلاس درس برای معلمان فنی و حرفه ای.
- ارائه آموزشهایی برای معلمان برای استفاده درست از زبان بدن برای ایجاد درک بهتر در دانش آموزان فنی و حرفه ای
- معلمان با شکستن مرزها و استانداردهای شغلی، علمی، حرفه ای و اجتماعی به حل مساله بپردازند. بدین منظور
- استفاده از شیوه های ارتقای تفکر خلاق به منظور استفاده از حداکثر ظرفیت در اختیار. بدین منظور هر هفته یک جلسه طوفان فکری در کلاسها برگزار شود.
- پشتیبانی درسی از دانش آموزان فنی و حرفه ای با ارائه درسهای مورد نیاز و وابسته به علاقه ایشان. بدین منظور از دانش آموزان خواسته شود تا نیازهای شغلی را پیدا کنند و در مورد انتخاب محتوا در کلاس گفت و گو نمایند.
- در اختیار قرار دادن تجهیزات فناورانه به معلمان در مدارس فنی و حرفه ای.
- به روز سازی تجهیزات فناورانه برای استفاده از این تجهیزات در ارائه دروس فنی و حرفه ای
- تخصیص بودجه ای در مدرسه فنی و حرفه ای برای ارتقای سطح فناوریهای اطلاعاتی در مدرسه
- ارائه کارگاههای آموزش فناوریهای نوین به منظور ارتقای سطح آموزش فنی و حرفه ای در مدارس
- ارائه نمایشگاههایی در مدرسه به منظور شناساندن محصولات فناورانه دانش آموزان فنی و حرفه ای

منابع

- جاودانی، حمید(۱۳۹۴). طراحی الگوی سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۲)، ۸۱-۱۰۴.
- جمالی نسب، نرگس(۱۴۰۱). مهارت‌های مورد نیاز معلم دوره ابتدایی جهت تدریس علوم تجربی. همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم حسینی بافقی، نگار(۱۳۹۹). مدل یابی هیجان‌های تدریس معلمان بر مبنای فعالیت‌های اجتماعی تدریس و مهارت‌های هیجانی-اجتماعی معلمان. توسعه حرفه‌ای معلم، ۵(۳)، ۷۷-۶۳.
- حق شناس، محمدجواد(۱۳۹۹). تحلیلی بر پیامدهای ناخواسته سیاست‌های عمومی. سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۴)، ۲۱۱-۲۲۳.
- رسولی، عصمت؛ امینی، حسین؛ قلی‌پور، مریم؛ حلیمی، علی؛ رودگریان، مریم و اکبرزاده، نجیبه(۱۳۹۷). روش‌های تدریس خلاقانه. کنفرانس ملی یافته‌های نوین در حوزه یاددهی و یادگیری.
- رمضانی، رویا؛ شیرکوند، ناصر و رمضانی، خدیجه(۱۳۹۹). بررسی رابطه مهارت‌های معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان (مطالعه موردی مدارس دخترانه مقطع ابتدایی منطقه پاکدشت). کنفرانس ملی یافته‌های نوین در حوزه یاددهی و یادگیری در دوره ابتدایی.
- شهرکی، سامک(۱۴۰۰). تاثیر روش تدریس پژوهش محور در آموزش درس تاریخ (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوم). پژوهش ملل، ۱۴۷-۱۲۷.
- طالب زاده، لیلا و مومنی، آزاده(۱۴۰۰). مطالعه کیفی مهارت‌های مورد نیاز معلمان برای اجرای موفق آموزش فراگیر (نمونه مورد مطالعه: معلمان شهرستان تربت حیدریه). مدیریت و برنامه ریزی در نظام آموزشی، ۱۴(۱)، ۲۸۶-۲۵۵.
- فتحی، جلیل؛ نقش‌بندی، زانبار و محمدی، پیمان(۱۴۰۰). اثربخشی تدریس مهارت نوشتار بر اساس روش وارونه بر عملکرد مهارت نوشتاری و خود تنظیمی زبان‌آموزان ایرانی. جستارهای زبانی، ۱۲(۴)، ۶۵۹-۶۲۷.

Biletska, I. O., Paladieva, A. F., Avchinnikova, H. D., & Kazak, Y. Y. (2021). The use of modern technologies by foreign language teachers: developing digital skills. *Linguistics and Culture Review*, 5(S2), 16-27.

Dimaculangan, N., San Luis, C., & Gabitanan, C. (2021). Teachers' Self-Assessment of their Online Teaching Readiness and

- Attitude. *International Journal of Innovative Science, Engineering & Technology*, 8(3), 325-332.
- Grimus, M. (2020). Emerging technologies: Impacting learning, pedagogy and curriculum development. *Emerging technologies and pedagogies in the curriculum*, 127-151.
- Igwe, P. A., Lock, D., & Rugara, D. G. (2022). What factors determine the development of employability skills in Nigerian higher education?. *Innovations in Education and Teaching International*, 59(3), 337-348.
- Martins, R. M., & Gresse Von Wangenheim, C. (2022). Findings on Teaching Machine Learning in High School: A Ten-Year Systematic Literature Review. *Informatics in Education*.
- Sailer, M., Stadler, M., Schultz-Pernice, F., Franke, U., Schöffmann, C., Paniotova, V., ... & Fischer, F. (2021). Technology-related teaching skills and attitudes: Validation of a scenario-based self-assessment instrument for teachers. *Computers in Human Behavior*, 115, 106625.
- Sanjar, U., & Doston, H. (2022). INNOVATIVE METHODS OF IMPROVING THE PROFESSIONAL SKILLS OF A TEACHER OF PHYSICAL CULTURE. *INTERNATIONAL JOURNAL OF RESEARCH IN COMMERCE, IT, ENGINEERING AND SOCIAL SCIENCES ISSN: 2349-7793 Impact Factor: 6.876*, 16(06), 20-23.
- Smith, J. (2019). Curriculum coherence and teachers' decision-making in Scottish high school history syllabi. *The Curriculum Journal*, 30(4), 441-463.
- Sun, Y., Zhuang, F., Zhu, H., Zhang, Q., He, Q., & Xiong, H. (2021). Market-oriented job skill valuation with cooperative composition neural network. *Nature communications*, 12(1), 1-12.
- Suwarma, I. R., & Apriyani, S. (2022). Explore Teachers' Skills in Developing Lesson Plan and Assessment That Oriented on Higher Order Thinking Skills (HOTS). *Journal of Innovation in Educational and Cultural Research*, 3(2), 106-113.